

# الباب التاسع و العشر من الواحد الثامن اذا ذكر اسم الشجرة...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب التاسع و العشر من الواحد الثامن اذا ذكر اسم  
الشجرة فصلوا عليها و اذا ذكر حروف الحى فصلوا عليهم و  
اذكروا الله محمدا و مظاهر امره فى كل ليلة جمعة و يومه  
اثنى و مائتين مرة ثم اذكروا الله فيهما اربعة الف مرة "يا  
الله".

ملخص اين باب آنكه هر وقت ذكر شود "من يظهره الله" صلوات فرستيد بر او و هر وقت ذكر شود حروف حى  
او ذكر بهاء كنيد بر ايشان و در آنچه ظاهر شده مثل آنچه ظاهر ميشود ذكر كنيد و در هر شب جمعه و يوم آن  
قدر دانيد كه آن شب و روزى است كه اعمال در آن مضاعف ميگردد و ذكر كنيد "من يظهره الله" و حروف  
حى آن را دويست و دو مرتبه و بخوانيد خدا را از روى اخلاص عدد چهار غين

نه اين است كه سجده كنيد و بخوانيد و كسى كه ذكر او ذكر الله هست و ذكر الله ذكر او است و معرفت او  
معرفت خداوند است و معرفت خداوند معرفت او است محتجب مانيد نظر كن در ظهور رسول الله - صلى الله  
عليه و اله - كه چقدر ليالى و ايام جمعه بر آن شمس حقيقت گذشت و مؤمنين بانجيل كل خدا را ميخواندند  
بلسان خود آيا ثمرى بخشيد ايشان را



ORIGINAL



AUDIO

همچنین در ظهور نقطهٔ بیان مشاهده کن عبادی هستند که هر شب تا صبح بذکر خدا مشغولند ولی شمس حقیقت قریب بارتفاع گشته در سماء ظهور و هنوز آنها از سر سجاده خود حرکت ننموده و اگر آیات بدیعه بر آن خوانده شود میگوید مرا از ذکر خدا باز مدار ای محتجب تو ذکر خدا را میکنی و از کسی که این ذکر را تجلی در تو نموده چرا محتجبی اگر قبل نازل فرموده بود فاذکروا الله کجا تو میدانستی که ذکر کنی و کجا میکردی

بدانکه اگر ذکر کنی "من ینظره الله" را آنوقت ذکر کردهٔ خدا را و همچنین اگر آیات بیان را بشنوی و تصدیق کنی آنوقت آیات خدا ترا نفع میدهد و الا چه ثمر در حق تو از اول عمر تا آخر عمر یک سجده کن و همه را بذکر الله بگذران ولی مؤمن مباش بمظهر آن ظهور بین نفع می بخشد ترا ولی اگر شناسی او را و عارف شوی بحق او و بگوید قبول کردم کل عمر تو را در ذکر خود هر آینه ذاکر بودهٔ او را بمنتهای ذکر زیرا که تو عمل میکنی از برای آنکه خدا قبول کند و قبولی خداوند ظاهر نمیگردد الا بقبولی ظاهر بظهور مثلا اگر امری را رسول خدا - صلی الله علیه و اله - قبول نمود خدا قبول فرموده و الا در هوای نفس اون عامل مانده و الی الله راجع نگشته و همچنین اگر عملی را نقطهٔ بیان قبول نمود خدا قبول فرموده زیرا که سبیلی از برای امکان بسوی ذات ازل نیست الا آنکه آنچه نازل میشود از مظهر ظهور شود و آنچه صاعد میگردد الی مظهر ظهور شود

و حمد خدا را که یک نفر متعقل دیده نشده که ذکر تقبل کند و حال آنکه از اول عمر تا آخر آن عمل میکنند با منتهای جد و اجتهاد و اگر از او پرسی از برای چه میکنی میگوید از برای اینکه خدا قبول کند ای حیوان قبولی خدا ظاهر نمیشود الا بقبولی حجت آن آیا کلمهٔ داری از حجت او که فرموده باشد قبول کردم این است که کل لایشعر عمل میکنند ولی از ثمرهٔ آن محتجب یلی کسی در بیان عامل است که در یوم ظهور "من ینظره الله" از او نص داشته باشد بر قبول او او را لایق که بگویند عمل از برای خدا کرده و خدا قبول کرده و الا چه ثمر کل ما علی الارض عمل میکنند بآنچه بر او هستند از دین خود

ولی نظر کن بآن مبدئی که قبول خداوند ظاهر میگردد که گویا در ظهور رسول الله یک متفرس نبود که از او طلب کند غیر عارفین باو تقبل عمل خود را که اگر شده بود در قرآن نازل میشد بلسان وحی زیرا که تقبل خداوندی نمیشود که بلسان بشر باشد که اگر بلسان خود رسول الله - صلی الله علیه و اله - باشد تقبل او است نه تقبل خداوند مبدئی که آیات الله مثل بحر از آن مشرق میگردد در جبل مستور نموده و شب و روز از برای خدا عمل میکنند بین رایحهٔ از رایحه شعور بر ایشان وزیده و حال آنکه ثمرهٔ کل اعمال ایشان این است که خدا قبول کند و قبول خدا ظاهر نمیگردد الا بلسان آیات که عجز کل ما سوی را برساند چنانچه امروز قرآن عجز کل وجود را میرساند

حال هر چه می‌خواهی عمل کن بین اگر بقدر یک پر کاه ذکر قبول در حق او شد این قسم است که در ظلم لیل حرکت میکنی و ثمر نمی بیند از اول عمر تا آخر عمر از برای خدا عمل میکنی و یک دفعه از برای آن مظهري که عمل راجع باو میگردد نمیکند که اگر میکردید در یوم قیامت اینطور مبتلا نمیشدید

بین امر چقدر عظیم است و کل چقدر محتجب قسم بذات مقدس الهی که کل ذکر خدا و عمل از برای او ذکر "من یتظهره الله" و عمل از برای او است فریب بنفس خود مدهید که از برای خدا عمل میکنیم که لدون الله میکنید که اگر الله کنید از برای "من یتظهره الله" خواهید کرد و ذاکر او خواهید بود و الا سکان این جبل هم که هیچ نمیدانند شب و روز ﴿لا اله الا الله﴾ میگویند چه ثمر دارد در حق ایشان

قدری تعقل نموده که از مبدأ امر محتجب نگردید که کل اعمال دنیای شما نزد خود شما راجع بدین شما میشود و کل اعمال دین شما ثمر آن قبول خداوند میشود و قبول خداوند ظاهر نمیشود الا بقبول من ظهر او "من یتظهره الله" که لسان آیات از او ظاهر گردد که اگر از دون آن قبول شود قبول الله نیست زیرا که قبول الله کلام او غیر کلام خلق است و اون اثین نمیشود

و اینکه میگوئی قبول ابواب قبول ائمه است و قبول ائمه قبول رسول الله است لاجل این است که آن شجره این طور قبول کرده و همچنین که حزن نفس مؤمنی را حزن نفس خود شمرده و سرور او را که سرور خود خوانده لاجل این است که آن این قسم نازل نموده که اگر آن نبود ثمر مترتب نبوده

همیشه نظر بر مبدأ امر نموده که کل شئون در ظل او ظاهر میگردد و آن اثین نیست بلکه واحد است و واحد آن با عدد نیست بلکه بلا عدد است و آن واحد با عدد بامر او واحد شده که اگر آن نبود حکم جاری نمیشد و لتوحدا الله ربکم الرحمن خالصا ثم بالله بالحق تعملون.

